

<p>حدیث روز</p> <p>خصلتی زشت‌تر از دروغ‌گویی نیست.</p> <p>امام علی(ع)، غرر الحکم</p>	<p>ذکر روز دوشنبه</p> <p>صد مرتبه «یا قاضی الحاجات»</p>	<p>تفال روز</p> <p>مرا در منزل جانان چه امن عیش چون هر دم جرس فریاد می‌دارد که بریندید محمل‌ها به می سجاده ر نگین کن گرت پیر مغان گوید که گاه بی‌خبر نبود ز راه و رسم منزل‌ها</p>
--------------------------------------------------------------------------------------	---------------------------------------------------------	-----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------

☀☁ <div>تربت جام</div> <div>۳۷ ۲۲</div>	☀☁ <div>قوچان</div> <div>۵۷ -۱۳</div>	☀☁ <div>کاشمر</div> <div>۳۷ ۱۷</div>	☀☁ <div>تربت حیدر به</div> <div>۱۷ ۱۶</div>	☀☁ <div>سیب‌زار</div> <div>۰۷ ۱۵</div>	☀☁ <div>نیشابور</div> <div>۰۷ ۱۲</div>	☀☁ <div>مشهد</div> <div>۲۷ ۱۹</div>
--------------------------------------------------------------------------------	------------------------------------------------------------------------------	-----------------------------------------------------------------------------	------------------------------------------------------------------------------------	-------------------------------------------------------------------------------	-------------------------------------------------------------------------------	----------------------------------------------------------------------------

همشهری سلام / همشهری سلام / همشهری سلام / همشهری سلام / همشهری سلام

بریده‌کتاب

خط‌چهره‌ام

کتاب‌هایم را ببند، آن‌ها را بخوان، به‌جای خواندن آن‌ها خطوط دست و چهره‌ام را بخوان. وقتی به چهره تومی نگرم، مانند کودکی هستم که شادمانه به درخت کریسمس می‌نگرد.

«در بندر آبی چشمانت»، نزار قبانی



ریشه‌واژه

جوان

در زبان فارسی از ریشه «جن» به معنای «جنبند و پیر حرکت» گرفته شده است. هر گاه دو حرف «وا» در میان برخی از ریشه‌های دو حرفی زبان فارسی بیاید، معنای خصلت درونی به آن واژه می‌دهد مانند: جن=ج+وا=ن=جوان، تن=ت+وا=ن=توان، نر(ظریف)=ن+وا=نر=نواز

ضرب المثل ملل

- آنگرمی داند با آهن چه باید کرد. هندی
- احقر پناهگاه احقر است. فلسطینی
- ابتکار مشکل است وانتقاد آسان. ترکی
- از کیف پولت بپرس که چه باید بخری. اسکاتلندی



سه‌نقطه



کاریکلماتور

چراغ خاموش

- آب تنی ماهی یک عمر طول می‌کشد.
- گربه پرتوقع انتظار دارد موش به خودش سس گوجه‌فرنگی بزند!
- شب نمی‌گذارد چراغ‌های خاموش همدیگر را ببینند.
- در آستانهٔ در خروجی زندگی، جسم‌درا جا گذاشتم.

مرحوم پرویز شاپور

بررسی آتشفشان فعال در شبه جزیره یونان توسط دانشمندان ايسلند | اسوشیتد پرس



آیامی‌دانید؟

۳ دانستنی عجیب از ژاپن



● ۱-خواستگاری

ژاپنی‌ها بسیار محبوب و خجالتی‌اند، به همین دلیل خواستگاری سنتی در این کشور به شکل غیر مستقیم انجام‌می‌شود. مثلاً ممکن است مردی از زن مور علاقه‌اش بپرسد: «می‌شود هر روز برایم سوپ در ست کنی؟» یا ممکن است از او بپرسد که آیا حاضر است لباس هایش را بشوید و در یک قبر کنار او دفن شود؟ (به این معنا که عشق میان آن‌ها به قدری قوی است که بعد از مرگ هر دوی آن‌ها هم ادامه خواهد داشت). البته این سنت در ژاپن به تدریج در حال از میان رفتن است و حالات‌نهم‌رمان واقعاً خجالتی‌ژاپنی از این روش‌های غیرمانتیک برای ابراز علاقه خود به یک زن استفاده می‌کنند.

● ۳- ماهی در کانال‌های آب
آب درون کانال‌های کنترل سیلاب در ژاپن واقعاً تمیز است و در آن‌ها نه زباله می‌ریزند و نه فاضلاب. آب این کانال‌ها به شفافیت آب لوله‌کشی است و ماهی‌ها از آدان‌ه در آن شنایی‌کنند. از آب‌های زیرزمینی که به این کانال‌ها می‌ریزند می‌توان به عنوان یخ‌یا برای آشپزی استفاده کرد. در شهر شیگایا این کانال‌ها در ارتفاعات مختلف ساخته شده‌اند که از کانال‌های پایین‌تر برای شست‌وشوی ظرف‌ها استفاده می‌شود. اگر ظرف کثیفی را به مدت ۳ ساعت در آب قرار دهید، نیازی به شست‌وشوی آن نخواهد بود، چرا که ماهی‌های کپور ته‌مانده غذای خورند. این کانال‌ها در ژاپن جاذبه گردشگری هستند و توره‌های گردشگری برای بازدید از این کانال‌ها پول کافی برای تعمیر و نظافت آن‌ها را دریافت می‌کنند.

● ۲- زندگی در کافی‌نت

همه ژاپنی‌ها پول کافی برای اجاره یک آپارتمان یا حتی یک کیسول در هتل‌های کیسولی‌راندان‌رد. بعضی از آن‌ها مجبورند سال‌های زیادی را در کافی‌نت‌ها سپری کنند. این کافی‌نت‌ها علاوه بر فراهم کردن دسترسی به اینترنت، امکان استفاده

حکایت

شرم از ندانسته‌ها

جوانی خردمند که از فنون فضایل حظی وافر داشت و طبعی نافر، چندان‌که در محافل دانشمندان نشستنی‌زبان سخن بیستی. باری پدرش گفت ای پسر تو نیز آن چه دانی بگوی. گفت ترسم که بپرسند از آن چه ندانم و

دور دنیا

تقویم تاریخ

در گذشت اثر گذار ترین کم‌دین تاریخ



چارلز اسپنسر چاپلین (۱۸۸۹ تا ۱۹۷۷) بازیگر کمدی، فیلم‌ساز و آهنگ‌ساز انگلیسی بود که در دوره فیلم صامت به شهرت رسید. چاپلین از طریق شخصیت سینمایی خود یعنی ولگرد کوچولو، به نمادی جهانی بدل شد و یکی از مهم‌ترین چاپلین، دوران کودکی‌اش را در لندن با فقر و سختی گذراند؛ پدرش فقود بود و مادرش با مشکلات مالی دست و پنجه نرم می‌کرد. او پیش از ۹ سالگی دوبار به اردوی کار فرستاده شد. چاپلین اجرا را از سننن پایین آغاز کرد و بعدها به عنوان بازیگر تئاتر و کم‌دین مشغول به کار شد. او در ۱۹ سالگی با شرکتی قرارداد بست که او را به ایالات متحده برد و کشف شد. چاپلین خیلی زود شخصیت ولگرد کوچولو را به وجود آورد که توجه و علاقه مردم را جلب کرد. نخستین فیلم ناطق او دیکتاتور بزرگ (۱۹۴۰) بود که در آن به تمسخر آدولف هیتلر پرداخت. هیتلر با این که می‌دانست چاپلین برای مسخره کردن او سیبل مسواکی می‌گذارد، با این همه از طرفداران فیلم‌های او بود. چاپلین نویسندگی، کارگردانی، تهیه‌کنندگی، تدوین، بازیگری و آهنگ‌سازی بیشتر فیلم‌هایش را بر عهده داشت. او در سال ۱۹۷۲ جایزه اسکار افتخاری را به پاس تأثیر فراوانش در ساخت فیلم‌های سینمایی کسب کرد. فیلم‌های جویندگان طلا، روشنایی‌های شهر، عصر جدید و دیکتاتور بزرگ اغلب در فهرست برترین فیلم‌های تاریخ قرار گرفته‌اند. اندرو ساریس، منتقد فیلم‌نوشته: بدون شک چاپلین یگانه و مهم‌ترین هنرمند تاریخ سینماست. او خارق‌العاده‌ترین عملکرد را داشته و احتمالاً هنوز جهانی‌ترین نماد است. در سال ۲۰۰۶ کاوه‌ویک عصا از لباس ولگرد به قیمت ۱۴۰ هزار دلار در یک حراجی فروخته شد.

چی بخوانیم؟

چرا برخی از دواج‌ها شکست می‌خورند؟



هر کسی که از دواج می‌کند، در شروع امیدوار است سال‌ها در کنار همسر زندگی کند و هر دو طعم خوشبختی را بچشند. اما چرا با این که دو طرف قبل از ازدواج خوب فکر کرده‌اند و نیت خوشبختی هم را داشتند، برخی از دواج‌ها با شکست مواجه می‌شود؟ «جان گاتمن» مبتکر ایده «عکس ایکس‌ری» از ازدواج که نوعی آزمایش ۱۵ دقیقه‌ای برای پیش‌بینی موفقیت یک رابطه با دقت ۹۴ درصد است، در کتاب معروفش یعنی «از دواج‌ها چرا موفق می‌شوند و چرا شکست می‌خورند؟» به این سوال مهم پاسخ داده است. گاتمن معتقد است یک ازدواج برای تدوام به تعارض یا بار منفی نیاز دارد اما باید به تعادل برگردد تا پایدار باشد. در ادامه بیشتر با این کتاب آشنا می‌شویم.

● چطور می‌شود از دواج‌ر ا نجات داد؟

گاتمن در کتابش ضمن بررسی دقیق و موشکافانه آسیب‌های جدی یک ازدواج، به مهارت‌هایی هم پر دازد که می‌تواند شرایط بدر را تغییر دهد. او به زوج‌ها پیشنهاد می‌کند که وقتی ضربان قلب‌شان بالا ست و هر لحظه ممکن است از گوره در بروند و غیر منطقی شوند بحث نکنند، گفت‌وگورا به زمان مناسب منتقل کنند، در مکالمه حالت دفاعی نگیرند، دنبال حرف منطقی باشند نه جواب‌دندان‌شکن، مدام به خود یادآوری کنند چرا روزی همسرشان را انتخاب کردند و او همین حالا چه نکات مثبتی دارد. در فترتی از نقاط مثبت طرف مقابل را بنویسند و به او در عمل نشان دهند چالش‌های زندگی به این معنا نیست که قدر همسر، نقاط مثبت و زحماتش را نمی‌دانند. این رفتار باعث می‌شود هر دو طرف روی نقاط مثبت تمرکز کنند و افکار استرس‌آور و رفتارهای پرتنش از آن‌ها دور شود. او در این کتاب به زوج‌ها کمک می‌کند بتوانند رفتار همدلانه داشته باشند، در مواقع ناراحتی احساسات‌شان را توصیف کنند و گفت‌وگوهای غیر احساسی و منعار دار داشته باشند تا زندگی‌شان شیرین شود. مطالعه این کتاب می‌تواند برای همه زوج‌ها حتی اگر سال‌ها از زندگی مشترک‌شان گذشته مفید باشد.

● رنگ خطرهای ازدواج

گاتمن در این کتاب به زیبایی و به صورت گام‌به‌گام مخاطبش را با چهار ویرانگر ازدواج آشنا می‌کند. اولین موردی که او اشاره می‌کند، انتقاد است. رفتاری که در ظاهر شاید تهدیدی برای ازدواج نباشد اما وقتی زوج‌ها بدون رعایت برخی نکات و پیش‌زمینه‌هایی محابا و کنترل نشده از هم انتقاد کنند، پای یک تهدید دیگر یعنی «تحقیر» را به زندگی مشترک‌شان باز می‌کنند. در تحقیر یکی از زوج‌ها رفتار طرف دیگر را نقد نمی‌کند بلکه شخصیت او را زیر سوال می‌برد و این رفتار آسیب‌های زیادی دارد. با مطالعه این کتاب متوجه می‌شویم وقتی فردی تحقیر شود حالت دفاعی به‌خود می‌گیرد و انرژی‌اش را به جای بحث منطقی روی دفاع از خود و تخریب طرف مقابل با یادآوری گذشته و... می‌گذارد.

آیات نور

سخت ترین عذاب‌ها برای ریاکار



حجت الاسلام قرائتی در تفسیر سوره ماعون آورده‌اند: «بر اساس روایات، ریاکار ظاهری زیبا و باطنی مریض دارد. در ظاهر اهل خشوع و تواضع است، ولی در باطن دست از گناه بر نمی‌دارد. او در ظاهر گوسفند و در باطن گرگ است. به جای آن که از دنیا آخرت را به دست آورد، از آخرت به سراغ دنیا می‌رود و از پرده‌پوشی خداوند سوء استفاده کرده و گناه می‌کند. پیامبر اکرم(ص) فرمود: سخت‌ترین عذاب‌ها برای کسی است که مردم در او خیر ببینند در حالی که در او خیری نیست. فرشتگان اعمال برخی انسان‌ها را بالای می‌برند، ولی خطاب می‌رسد: هدفش خدا نبوده است، آن را برگردانید.»

در محضر بزرگان

عاقبت به خیری



مرحوم استاد فاطمی‌نیا فرموده‌اند: امسئله عاقبت به خیر شدن بسیار مهم است! در معتبرترین و قدیمی‌ترین کتاب در مورد جنگ صفین (کتاب نصر) نوشته‌اند: «در جنگ صفین یکی از سربازان امیر المومنین(ع) زخمی شد، او را به خیمه‌های حضرت آوردند. حالا انصاف این صحنه را تصور کنید، اگر مادر آن جابودیم می‌دیدم که سرباز حضرت در راه ایشان زخمی شده، از ته دل می‌گفتم خوشا به سعادتش! چه سعادت‌ی بالاتر از مجروح شدن در جبهه حضرت است؟ اما آیامی‌دانید این سرباز که بود؟ نصر می‌نویسد: «آن سرباز مجروح، شمر بن ذی الجوشن بود!» عجیب است! انسان یک‌روز در جبهه حضرت امیر المومنین(ع) باشد و یک‌روز هم سر از کربلا در بیاورد و آن ظلم و جنایت فجیع و غیر قابل بیان را مرتکب شود. از آن طرف جناب حزّ است. در ابتدا در لشکر ابن زیاد است و حکم جنگ با امام حسین(ع) را دارد، اما در آخر در راه حضرت شهید و عاقبت به‌خیر می‌شود.»

داستان واقعی

سادگی و صفای شهید برونسی



بیمارستان بزرگ بودو مخصوص مجروحان جنگ. بستری ام که کردند، فهمیدم هم‌تختی ام یک بسیجی است. چهره ساده و با صفایی داشت. قیافه‌اش می‌خورد که جزو نیروهای تدارکات باشد. بعد از سلام و احوال‌پرسی گفتم: پدر جان توجه به چکاره‌ای؟ لیخنزد، گفت: تدارکاتی. جوانی توی اتاق بود که دایم دور و بر تخت‌اومی‌چرخید. اول فکر کردم شاید هم‌راهش باشد، ولی وقتی دیدم اسلحه کم‌ری دارد، شک کردم. کم‌کم متوجه شدم مجروحان دیگری که در آن اتاق هستند، احترام خاصی به او می‌گذارند. انتظار داشتم آن بسیجی ساده و با صفا هر کسی باشد غیر از حاج عبدالحسین برونسی. همین که از بیمارستان مرخص شدم، رفتم توی تیبی که او فرمانده اش بود. تا موقعی که شهید شد، از اش جدا نشدم. برگرفته از ساکنان ملک اعظم،

اندکی صبر

ببین

ببین! تنهایی دشت را که دست سربزستان، _ مادرانه _ به‌روی تن رنجور درخت لحاف سپیدی از برف می‌کشد... اسماعیل جلیلی نجوا